

structure: « THE STRUCTURE QUESTIONS »

« Sentences with one clause »

Skill 1: Be sure the sentence has a subject and adverb

نکات: هر جمله در انگلیسی، حداقل از یک فعل و فاعل تشکیل شده است.
 ۱- اگر فعل و فاعل دارد، به موارد زیر بررسی شود:
 ۱- درست بودن فعل و فاعل از لحاظ نحوی

۲- تطابق فعل با فاعلش

۳- عدم تکرار فعل یا فاعل در جمله

مثال: The boy ^{فاعل} ^{حرف اضافه} going to the movies with a friend

A) he is B) he always was C) is relaxing D) will be

Skill 2: Be careful of objects of prepositions.

نکات: مفعول حرف اضافه (مفعول) که عبارت از اسم یا ضمیر است که پس از حرف اضافه می آید، باید با فاعل جمله مطابقت داشته باشد.
 ۱- اگر در آن مفعول حرف اضافه در جمله، مفعول فعل نیز خواهد بود.

مثال: with the friend found the movie theater

A) has B) he C) later D) when

Skill 3: Be careful of appositive

نکات: ۱- Appositive عبارت از اسم یا ضمیر است که پس از اسم یا ضمیر می آید و در آن حالت معانی را بیان می دهد.
 ۲- Appositive باید با اسم یا ضمیر که پس از آن می آید، مطابقت داشته باشد.
 ۳- Appositive باید با فاعل جمله مطابقت داشته باشد.

مثال: Tom a really good mechanic is fixing the car.

A really good mechanic Tom is fixing the car.

مثال: George is attending the lecture

PAPCO A) Right now B) Happily C) Because of the time D) My friend

I am not

1- جہوزان مجبہ از فعل = درجہ کہ بعد از یکے از افعال to be

و بعد از آن عقل بسیار

part of verb

Adj

—S—

① Daw

Skill 5:

3

اسم الفاعل المذكر : simple past

present perfect الحاضر الممكتمل

20 -

gale, her

مسائل:

A) have i.

(۴) در سال ۱۳۰۵

« SENTENCES WITH MULTIPLE CLAUSES »

ملک احمد سید

سنة ١٢٠٠

PAPCO

مثال: a power failure occurred (S) the lamps went out (S)
 A) then (B) so (C) later (D) next

Skill 7: Use adverb time and cause connectors correctly.

نکات: حروف ربط قید (که در اینجا تا کنون نوع Cause و Time) برای ارتباط اجزای جمله که مربوط به یک موضوع است.
 ۱- ربط زمانی: ربط زمانی اجزای جمله را به هم وصل می‌کند و در این صورت به دو بخش گفته می‌شود.
 ۲- ربط سببی: ربط سببی اجزای جمله را به هم وصل می‌کند و در این صورت به دو بخش گفته می‌شود.
 adverb and (adverb and)

Skill 8: use other adverb connectors correctly.

نکات: در استفاده از حرف ربط قیدی (verb connector) (Place, manner, condition, contrast) نیز باید دقت کرد. مثلاً: *The Smith family arrived at 10, while the Jones family arrived at 11.* (یعنی در مورد زمان و مکان).
 گاهی (شاید بخواهیم بگوییم) در مورد حرف Contrast: *He is rich, but he is not happy.* (یعنی در مورد تضاد).
 همچنین در مورد حرف Condition: *If it rains, we will stay at home.* (یعنی در مورد شرط).

این حرف عبارتند از: **whether, unless, providing, provided, in case, if** : CONDITION
whereas, while, though, even though, although : CONTRAST
in that, as : MANNER

wherever, where : PLACE
 S V
 Bob went to school **even though** he felt sick.
Even though Bob felt sick, he went to school.

S V
 You will get a good grade on the exam **provided** you study.
 A) studying B) study C) to study **(D) you study**

« MORE SENTENCES WITH MULTIPLE CLAUSES »

ترجمه: جمله در این قسمت را من (clause) هر جمله مرکب است. (یعنی با توجه به جملات و جملات ترکیبی).

Skill 9: use noun clause connectors correctly

نکات: (noun clause) ها مثل یک اسم عمل می‌کنند و می‌توانند به جای اسم در جمله استفاده شوند.
 ۱. object of verb (مفعول فاعلی)
 ۲. object of preposition (مفعول حرف اضافه)
 ۳. subject (فاعل)
 این نوع از (clause) ها حرف ربط و جمله را می‌کنند. Skill 9: ما باید در استفاده از این نوع از جملات دقت کنیم.

I am concerned about when he will arrive is not important
 S V P object of preposition
 subject
 when he will arrive is not important

Q: was late caused many problems.
 V V

(A) that he (B) the driver (C) there (D) Because
 why sub ject is not

Skill 10 use noun clause connector/subjects correctly.

Skill 11 use adjective clause connectors correctly

نکات: Adjective clauses در جمله از یک اسم یا ضمیر آغاز می شود و از آن پس به یک فعل می آید و از آن پس به یک فعل می آید و از آن پس به یک فعل می آید.
adjective clause connector

1- whom → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، انسان باشد (for people)

2- which → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، از اشیا باشد (for things)

3- that → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، از انسان یا از اشیا باشد (for people or things)

این معرفت در ابتدای جمله قرار می گیرد و بعد از آن اسم معرفت می آید و بعد از آن اسم معرفت می آید و بعد از آن اسم معرفت می آید.

10
S V adj-con S V
I liked book which you recommended
S adj-con S V
The book which you recommended was interesting

لازم است قبل از این رابطها صفت will/should بیاید
the gift selected for the bride was rather expensive

15 A) because B) was C) since D) which we

Skill 12 use adjective clause connector/subject correctly

نکات: Relative clauses به یک اسم یا ضمیر می آید و از آن پس به یک فعل می آید و از آن پس به یک فعل می آید.
adjective clause connector

1- who → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، انسان باشد
2- which → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، از اشیا باشد

3- that → که در صورتی که اسم معرفت قبل از این رابط، از انسان یا از اشیا باشد

استفاده از who و which در جمله از یک اسم یا ضمیر آغاز می شود و از آن پس به یک فعل می آید و از آن پس به یک فعل می آید.

و از آن پس به یک فعل می آید و از آن پس به یک فعل می آید.

she needs a secretary who types fast

is on the table has four sections

PAPCO A) the notebook B) the notebook which C) Because the notebook

SKILL 13 use reduced Adjective clauses correctly.

کلام یک clause در زبان انگلیسی هم متون به صورت complete یا reduced

دو نوع clause قابل reduce شدن هستند:

1. adjective clause (در این skill) 2. adverb clause (در skill بعد)

و اگر چند تا داشته باشیم

reduce می کنیم و فقط یکی را می گذاریم و بقیه حذف می شود

در reduce کردن adjective clause ها 2 چیز حذف می شود:

1. فعل to be 2. relative pronoun (conjunction)

2. خود clause connector (البته در این که نقش فاعل را می گیرد) (اینها را می بینیم)

مثلاً: The woman who is waving to us is the tour guide.

در adjective clause ها با کاما از جمله جدا می شوند و علامت پایان جمله reduce می شود.

(در صورت جمع شرایط) فاعل انتقال به ابتدای جمله (همراه با کاما) می آید و به این صورت می آید:

مثال: The woman who is waving to us is the tour guide.

I don't understand the article which appears in today's paper.

on several different television programs, the witness gave conflicting accounts of what had happened.

As he appeared on who appeared (C) Appearing D) Appears

SKILL 14 use reduced adverb clauses correctly

نکات: در reduce کردن adverb clause ها 3 چیز حذف می شود:

1. اولاً "adverb connector"

2. ثانیاً فاعل و فعل to be از جمله حذف می شوند و اگر فعل to be باشد ing می آید.

در صورتی که adverb connector حذف می شود و اگر فاعل و فعل حذف می شود و اگر فاعل و فعل حذف می شود.

قابل reduce شدن:

wherever, where: place / whenever, when, until, once: Time

as, manner / though, although: contrast / whether, unless, if: condition

نکات: در صورتی که کلمات سوالی: who, what, when, where, why, how

قرار داده باشند به معنی سوالی باشند.

اما به جای سوالی استفاده از این کلمات در صورتی که فعل و فاعل در آن به آید و این روش را میگویند:

مثال: ^{تغییر موقعیت} what are they?

اینجا به جای سوالی از این کلمات استفاده می شود که در این صورت فعل و فاعل در آن به آید و این روش را میگویند:

مثال: I know what they are. اگر جمله سوالی در دل جمله ای دیگر قرار گیرد

مثال: The lawyer asked the client why it. این روش را میگویند

A) did he do B) did he C) he did D) did

Skill 16 invert the subject and verb with place expressions.

نکات: اگر جمله یا اصطلاحات و کلمات مربوط به مکان آغاز گردد و بعد از آن اصطلاح در اینجا به کار می آید

و این روش را میگویند invert و در این صورت فعل و فاعل در آن به آید و این روش را میگویند

مثال: In the forest are many comic birds. → necessary
in the forest I walked for many hours
now here & there & here

در اینجا به کار می آید: Beyond the mountains, Around the corner in the closet

مثال: Here is the book that you lent me.

Nowhere have I seen such beautiful weather.

مثال: on the second level of the parking lot

A) is empty B) are empty C) some empty stalls are D) are some empty stalls

Skill 17 invert the subject and verb with negative

نکات: در اینجا به کار می آید: neither, nor

neither, nor, never, rarely, scarcely, seldom

PAPCO

Q: did I miss a question

I do not want to go and either do you

Observatories are rare in the desert. (D) are observatories

SKILL 18 invert the subject and verb with conditionals

if I were a teacher, I would have more patience
were I a teacher, I would have more patience

if he were here, he would help
were he here, he would help

I would help you if I were in position to help. I shall help you when I am in a position

QJL: The report would have been accepted in checking its accuracy

if more care more care had been taken (had taken more care)

Q had more care been taken it would have been in his hands had he not (commented)

SKILL 19 invert the subject and verb with comparisons

more than
less than
fewer than
more than
less than
fewer than

we were more prepared than the other performers were
we were more prepared than were the other performers

my sister spends more hours in the office than John

my sister spends more hours in the office than John does

my sister spends more hours in the office than does John

Nowhere more skewed than in the auto industry

A) has retail trade figures B) retail trade figures C) are retail trade figures

PAPCO D) retail trade figures

The result of current experiment appear to be more consistent than any previous tests. A) them B) were C) they were D) were they

Skill 20 Make verbs agree after prepositional phrases.

Skill 21 Make verbs agree after expressions of quantity.

Ex. 1. All of the book was interesting

All of the books were interesting

All of the information was interesting.
uncountable

صنف ۱۲۰ - کتاب التوحید فی بیان صفات رب العالمین و اثبات وحدانیة الله تعالی (مجلد اول) (طبع شد)

[illegible][illegible]

این الی SKZ نیا مالو شریک و کنیز که فعل (در همین جمله با پس باب فاعل)

١٥٥
١٥٦
١٥٧
١٥٨
١٥٩
١٦٠
١٦١
١٦٢
١٦٣
١٦٤
١٦٥
١٦٦
١٦٧
١٦٨
١٦٩
١٧٠
١٧١
١٧٢
١٧٣
١٧٤
١٧٥
١٧٦
١٧٧
١٧٨
١٧٩
١٨٠
١٨١
١٨٢
١٨٣
١٨٤
١٨٥
١٨٦
١٨٧
١٨٨
١٨٩
١٩٠
١٩١
١٩٢
١٩٣
١٩٤
١٩٥
١٩٦
١٩٧
١٩٨
١٩٩
٢٠٠
٢٠١
٢٠٢
٢٠٣
٢٠٤
٢٠٥
٢٠٦
٢٠٧
٢٠٨
٢٠٩
٢١٠
٢١١
٢١٢
٢١٣
٢١٤
٢١٥
٢١٦
٢١٧
٢١٨
٢١٩
٢٢٠
٢٢١
٢٢٢
٢٢٣
٢٢٤
٢٢٥
٢٢٦
٢٢٧
٢٢٨
٢٢٩
٢٣٠
٢٣١
٢٣٢
٢٣٣
٢٣٤
٢٣٥
٢٣٦
٢٣٧
٢٣٨
٢٣٩
٢٤٠
٢٤١
٢٤٢
٢٤٣
٢٤٤
٢٤٥
٢٤٦
٢٤٧
٢٤٨
٢٤٩
٢٥٠
٢٥١
٢٥٢
٢٥٣
٢٥٤
٢٥٥
٢٥٦
٢٥٧
٢٥٨
٢٥٩
٢٦٠
٢٦١
٢٦٢
٢٦٣
٢٦٤
٢٦٥
٢٦٦
٢٦٧
٢٦٨
٢٦٩
٢٧٠
٢٧١
٢٧٢
٢٧٣
٢٧٤
٢٧٥
٢٧٦
٢٧٧
٢٧٨
٢٧٩
٢٨٠
٢٨١
٢٨٢
٢٨٣
٢٨٤
٢٨٥
٢٨٦
٢٨٧
٢٨٨
٢٨٩
٢٩٠
٢٩١
٢٩٢
٢٩٣
٢٩٤
٢٩٥
٢٩٦
٢٩٧
٢٩٨
٢٩٩
٣٠٠
٣٠١
٣٠٢
٣٠٣
٣٠٤
٣٠٥
٣٠٦
٣٠٧
٣٠٨
٣٠٩
٣١٠
٣١١
٣١٢
٣١٣
٣١٤
٣١٥
٣١٦
٣١٧
٣١٨
٣١٩
٣٢٠
٣٢١
٣٢٢
٣٢٣
٣٢٤
٣٢٥
٣٢٦
٣٢٧
٣٢٨
٣٢٩
٣٣٠
٣٣١
٣٣٢
٣٣٣
٣٣٤
٣٣٥
٣٣٦
٣٣٧
٣٣٨
٣٣٩
٣٤٠
٣٤١
٣٤٢
٣٤٣
٣٤٤
٣٤٥
٣٤٦
٣٤٧
٣٤٨
٣٤٩
٣٥٠
٣٥١
٣٥٢
٣٥٣
٣٥٤
٣٥٥
٣٥٦
٣٥٧
٣٥٨
٣٥٩
٣٦٠
٣٦١
٣٦٢
٣٦٣
٣٦٤
٣٦٥
٣٦٦
٣٦٧
٣٦٨
٣٦٩
٣٧٠
٣٧١
٣٧٢
٣٧٣
٣٧٤
٣٧٥
٣٧٦
٣٧٧
٣٧٨
٣٧٩
٣٨٠
٣٨١
٣٨٢
٣٨٣
٣٨٤
٣٨٥
٣٨٦
٣٨٧
٣٨٨
٣٨٩
٣٩٠
٣٩١
٣٩٢
٣٩٣
٣٩٤
٣٩٥
٣٩٦
٣٩٧
٣٩٨
٣٩٩
٤٠٠
٤٠١
٤٠٢
٤٠٣
٤٠٤
٤٠٥
٤٠٦
٤٠٧
٤٠٨
٤٠٩
٤١٠
٤١١
٤١٢
٤١٣
٤١٤
٤١٥
٤١٦
٤١٧
٤١٨
٤١٩
٤٢٠
٤٢١
٤٢٢
٤٢٣
٤٢٤
٤٢٥
٤٢٦
٤٢٧
٤٢٨
٤٢٩
٤٣٠
٤٣١
٤٣٢
٤٣٣
٤٣٤
٤٣٥
٤٣٦
٤٣٧
٤٣٨
٤٣٩
٤٤٠
٤٤١
٤٤٢
٤٤٣
٤٤٤
٤٤٥
٤٤٦
٤٤٧
٤٤٨
٤٤٩
٤٥٠
٤٥١
٤٥٢
٤٥٣
٤٥٤
٤٥٥
٤٥٦
٤٥٧
٤٥٨
٤٥٩
٤٦٠
٤٦١
٤٦٢
٤٦٣
٤٦٤
٤٦٥
٤٦٦
٤٦٧
٤٦٨
٤٦٩
٤٧٠
٤٧١
٤٧٢
٤٧٣
٤٧٤
٤٧٥
٤٧٦
٤٧٧
٤٧٨
٤٧٩
٤٨٠
٤٨١
٤٨٢
٤٨٣
٤٨٤
٤٨٥
٤٨٦
٤٨٧
٤٨٨
٤٨٩
٤٩٠
٤٩١
٤٩٢
٤٩٣
٤٩٤
٤٩٥
٤٩٦
٤٩٧
٤٩٨
٤٩٩
٥٠٠
٥٠١
٥٠٢
٥٠٣
٥٠٤
٥٠٥
٥٠٦
٥٠٧
٥٠٨
٥٠٩
٥١٠
٥١١
٥١٢
٥١٣
٥١٤
٥١٥
٥١٦
٥١٧
٥١٨
٥١٩
٥٢٠
٥٢١
٥٢٢
٥٢٣
٥٢٤
٥٢٥
٥٢٦
٥٢٧
٥٢٨
٥٢٩
٥٣٠
٥٣١
٥٣٢
٥٣٣
٥٣٤
٥٣٥
٥٣٦
٥٣٧
٥٣٨
٥٣٩
٥٤٠
٥٤١
٥٤٢
٥٤٣
٥٤٤
٥٤٥
٥٤٦
٥٤٧
٥٤٨
٥٤٩
٥٥٠
٥٥١
٥٥٢
٥٥٣
٥٥٤
٥٥٥
٥٥٦
٥٥٧
٥٥٨
٥٥٩
٥٦٠
٥٦١
٥٦٢
٥٦٣
٥٦٤
٥٦٥
٥٦٦
٥٦٧
٥٦٨
٥٦٩
٥٧٠
٥٧١
٥٧٢
٥٧٣
٥٧٤
٥٧٥
٥٧٦
٥٧٧
٥٧٨
٥٧٩
٥٨٠
٥٨١
٥٨٢
٥٨٣
٥٨٤
٥٨٥
٥٨٦
٥٨٧
٥٨٨
٥٨٩
٥٩٠
٥٩١
٥٩٢
٥٩٣
٥٩٤
٥٩٥
٥٩٦
٥٩٧
٥٩٨
٥٩٩
٦٠٠
٦٠١
٦٠٢
٦٠٣
٦٠٤
٦٠٥
٦٠٦
٦٠٧
٦٠٨
٦٠٩
٦١٠
٦١١
٦١٢
٦١٣
٦١٤
٦١٥
٦١٦
٦١٧
٦١٨
٦١٩
٦٢٠
٦٢١
٦٢٢
٦٢٣
٦٢٤
٦٢٥
٦٢٦
٦٢٧
٦٢٨
٦٢٩
٦٣٠
٦٣١
٦٣٢
٦٣٣
٦٣٤
٦٣٥
٦٣٦
٦٣٧
٦٣٨
٦٣٩
٦٤٠
٦٤١
٦٤٢
٦٤٣
٦٤٤
٦٤٥
٦٤٦
٦٤٧
٦٤٨
٦٤٩
٦٥٠
٦٥١
٦٥٢
٦٥٣
٦٥٤
٦٥٥
٦٥٦
٦٥٧
٦٥٨
٦٥٩
٦٦٠
٦٦١
٦٦٢
٦٦٣
٦٦٤
٦٦٥
٦٦٦

وہ نودیس was the bicycle I wanted.

Skill 23 Make verb games of

Make Verb agree after certain words.

مجلس اول : تاریخ ۱۳۰۲ / ۱۲ / ۱۵

نکات: رخصی از کلمات اصطلاحاً از ریشه جمع معنی جمع می آید. و معنی جمع دهنده را از لحاظ اندر سر و سبب جمع می گویند.

باب دوسرے۔ کہ گول معنی انہار اور دھماکہ ہے۔ فعل۔ و این امر یعنی منفرد بودن الحاظ الامر بمجربہ۔

anybody everybody nobody somebody

~~any~~ any one ~~every~~ every one ~~no~~ no one ~~some~~ someone each + (noun)

any thing - every thing - nothing - something - every + (noun)

Handwritten musical notation on a five-line staff, featuring various notes and rests.

Ex 15: Everybody is going to the theater

$\frac{0.5}{2}$ $\frac{1}{V}$ object of the real (x)

! ^S ^{object of the} ^{need (V)}
! ^{skill 20} The climbers on the sheer face of the mountain needs to

Phylo → Ham → 1 MC chamber on the back face of the mountain needs to

A B C

skill 21: I was sure that all of the questions on the test

John ^{the} $\frac{3}{5}$ $\frac{1}{2}$ was sure that all of the question on the test 3

15/

Skill 22: only with a two-thirds vote by both houses $\frac{2}{3} \times \frac{2}{3}$

U.S. Congre able to override ^A a presidential Veto ^B

$$\frac{0}{5(x)} \quad \frac{c}{c} \quad \frac{0}{0}$$

Skill 23: Each number in abinary system is/ are for

$\frac{A}{B} \cdot \frac{C}{D} = \frac{A \cdot C}{B \cdot D}$

from only two samples

from only two symbols.

نکات: حروف ربط هم‌پایه (coordinate) که عبارتند از: and / but / or هنگامیکه دو عبارت یا جمله هم‌پایه باشند

عبارت دو طرف این حرف با یکی کاملاً با هم از لحاظ ساختار دستوری باشند و هر دو عبارت در یک جمله باشند

۱۰ یا در صورتی که دو فعل یا دو عبارت، هر یک از فعل (phrases) یا دو عبارت همراه فعل (clause).

مثال ۱: she is a teacher but a lawyer

مثال ۲: you can stay home or go to the movies with us

مثال ۳: my boss is sincere and nice

مثال ۴: The paper are on my desk or in the drawer

مثال ۵: They are not interested in what you say or what you do

SKILL 25 use parallel structure with paired conjunctions.

My school is farther than your school.
 what is written is more easily understood than what is spoken.
 Their car is as big as a small house.

10 < PROBLEM WITH COMPARATIVES AND SUPERLATIVES >

توضیح: در این سبک، ما به شما یاد خواهیم داد که چگونه مقایسه‌ها را به درستی انجام دهید.

skill 27 Form comparatives and superlatives correctly

comparative / superlatives

نکات: در جمله Comparative حالت مقایسه (این Skill را با این روش یاد بگیرید)

1- در جمله مقایسه‌ای، کلمات taller than و er with than را به کار ببرید.
 2- در جمله برتر، کلمات more beautiful than و more than را به کار ببرید.

5
 Superlative: در مقایسه با چند نفر از این است و از همه آنها بیشتر است و از همه آنها بهتر است.
 (مثال: Mary is more intelligent than Sue)

Comparative: Mary is more intelligent than Sue

Superlative: Mary is the most intelligent of the students in the class

10
 Skill 29 Use the irregular -er, -er structure correctly.

نکات: 1. در مقایسه با چند نفر از این است و از همه آنها بیشتر است و از همه آنها بهتر است.
 2. در مقایسه با همه آنها بیشتر است و از همه آنها بهتر است.

15
 The -er more (same structure) the -er more (same structure)

مثال: the harder you work, the more you accomplish.
 the greater the experience, the higher the salary.

PROBLEM WITH THE FORM OF THE VERB

20
 نکته: در مقایسه با چند نفر از این است و از همه آنها بیشتر است و از همه آنها بهتر است.
 در مقایسه با همه آنها بیشتر است و از همه آنها بهتر است.

singing ← PRESENT PARTICIPLE sing(s) PRESENT sing BASE FORM
 sung ← PAST PARTICIPLE sang PAST

نکته: اگر بعد از has فعل از been و done استفاده می‌کنیم، قطعا قبل از آن فعل باید have (در گذشته) باشد. تفاوت اجرای باید.

my friend sang in the choir → my friend has sung in the choir

Skill 31: after BE, use the **PRESENT PARTICIPLE** or the **P.P**

نکات: افعال to be در حین نوشتن am, is, are, was, were, be, been, being مترادف قبل از (در میان) افعال being و P.P.

مثال: Tom homework was do early → Tom homework was done early

heard was carefully reported to him. It had been noticed that the report should have been

Tom is take the book → Tom is taking the book

Skill 32: after **WILL, WOULD, or other modals**, use the **BASE**

FORM of the verb. She can has a full time secretary.

نکات: حتماً بعد از modal (shall, would, will, must, might, may, could, can, should) base form (آنها را قطعا باید). (تفاوت این افعال با have و be).

The boat will leaving at 3:00 (will leave)

The students must taken the exam (must take)

۲- مثال از این تگ: present و past فعل

۳- مثال از این تگ: present و past فعل

I know that he took the money yesterday

He took the money when he wants it

He took the money when he wanted it

SKILL 37 use HAVE and HAD correctly

نکات: present perfect (حال کامل) و past perfect (گذشته کامل)

از این تگ: present perfect و past perfect

[have + past participle] present perfect

این نوع از فعل نشان دهنده دوره زمانی است که از گذشته آغاز شده و تا حال ادامه دارد است.

مثال: Sue has lived in Los Angeles for ten years.

مثال: Sue has lived in Los Angeles for ten years.

every time Jim worked on his car, he has improved it

☆ past perfect (گذشته کامل) (since) (از آن زمان)

[had + past participle] past perfect

این نوع از فعل نشان دهنده دوره زمانی است که در گذشته شروع شده و در گذشته به پایان رسیده است.

مثال: Sue had lived in Los Angeles for ten years when she moved to San Diego

مثال: Sue had lived in Los Angeles for ten years when she moved to San Diego

مثال: Tom had finished the exam when the teacher collects the papers

Past Perfect (گذشته کامل)

present

very hard lately
Q: we have lived in San Francisco since 1999

Skill 36 use correct tense with WILL and WOULD

10
مثال: I know that they will arrive soon.
نکات: بیان که حتماً در حال فعلی و در آینده will

12
مثال: I knew that he would arrive.
نکات: بیان که حتماً در حال فعلی و در گذشته would

15
مثال: I would like to know if you have a pencil that I could borrow.
نکات: بیان که حتماً در حال فعلی و در آینده would

10
(فعلی/فعلی) The project will finished by Tim → The project will be finished by Tim

نکات: گاهی در کتاب در «Appendix G» آمده که فعل معلوم در جمله باید منفعل باشد.

Skill 38 recognize ACTIVE and PASSIVE meanings.

15
نکات: گاهی در کتاب در فعال و منفعل، اما در ترجمه و تفسیر آنها از افعال معلوم و منفعل است.

به چند دلیل از لحاظ ظاهر کاملاً شبیه فعل معلوم می باشد.

۲- اماره که به شکل (by + object) کار می آید در حالت مجهول می باشد (فعل مجهول و معلوم دارد).

به مثال های زیر توجه کنید.

20
(active) we mailed the package at the post office
S V

10 both, two, many, several, various

Q: on the table there were many dish* → dishes

The lab assistant finished every tests* → test

man → men woman → women (b) Foot → feet tooth → teeth

(c) goose → geese mouse → mice

۲- گاهی برای این که اسم جمع در اثنای آن [F.N] ذکر می شود:

child → children ox → oxen

۳- در برخی اسامی حالت مفرد و جمع آن یکسان است:

deer → deer (آه) fish → fish salmon → salmon sheep → sheep
(بعضی از آن)

trout → trout (زن آه)

۴- در برخی اسامی یک [I.S] حاکم می باشد و جمع آن با یک ۱۵- ۱۰ [F.S] ذکر می شود:

analysis - analyses axis - axes crisis - crises

43+ Skill 4-2 distinguish the PERSON from the THING

نکات: به خصوص در این بخش، اشخاص را از اشیاء متمایز کنید. (از نامی و نامی)
 Ralph Nader is an authority in the field of car → authority (تخصص)
 there are many job opportunities in accountant → accounting (حسابداری)

« PROBLEMS WITH PRONOUNS »

موضوع: این بخش مربوط به ظاهر و استعاره‌هاست که در این بخش به تفصیل بررسی می‌شود.

Skill 4-3 distinguish SUBJECT and OBJECT pronouns

نکات: ظاهر مفعول و ظاهر مفعول را از هم متمایز کنید. در این بخش به تفصیل بررسی می‌شود.
 ظاهر مفعول (subject) عبارتند از: I, you, he, she, it, we, they
 که در جملات مفعول فعل نقش بازی می‌کنند

ظاهر مفعول (object) عبارتند از: me, you, him, her, it, us, them
 که در جملات مفعول فعل (object of preposition) نقش بازی می‌کنند.

Example: Sally gave the book to John. → she gave it to him
 subj. obj. obj. of prep.

5+ 46 Skill 4-4 distinguish POSSESSIVE ADJECTIVES and PRONOUNS

نکات: در این بخش به تفصیل بررسی می‌شود. (possessive pronouns)
 mine, yours, his, hers, ours, theirs

نکات: در این بخش به تفصیل بررسی می‌شود. (possessive adjective)
 my, your, his, her, its, our, their
 تفاوت این دو: در این دو، قضاوت باید که اسم یا اسم چه از ظاهر مفعول است یا از ظاهر مفعول.
 ظاهر، حالت اسم به ما می‌دهد.

They lent me their books (adjective)

They lent me theirs (pronoun)

Subject:

Year: Month: Date: ()

43

[Skill 45] check pronoun REFERENCE for agreement.

نکات: انس و اوسته ضمیر در جمله شاهد بر این می‌دهد که آنها ضمیر فاعل یا مفعول است و این که possessive
استفاده شده است، زیرا باید بررسی کنید که آیا ضمیر از نظر gender و number متناسب با اسم است.
برای هر دو مورد باید متوجه باشید.

the boys will cause trouble if you let him → them
Everyone must give their name → his

PROBLEMS WITH ADJECTIVES AND ADVERBS

توضیح: در مثال استعاره‌هاست زیرا همان صفت و قید اتفاق افتاده و فکر کنید اگر این مثال را در کتاب خود
صفت و قید را کنار هم می‌بینید، به این نتیجه می‌رسید.

افعلی adverb ها یا "ly" - حاشا می‌ماند که این نشان روشن خوبی بر ساخت آری است. مثلا
recent → recently public → publicly evident → evidently

اما به جای قید از قیدها هم در زبان استفاده می‌شود با "ly" - حاشا می‌ماند که باید آن را از روی معنی نام برد. این امر
بسیار برای توصیف عنوان کاربرد (when) مثل (later, soon, often)

اما برای توصیف چگونه اتفاق می‌افتد (how) مثل (well, hard, fast)
۳ یا برای توصیف مکان وقوع اتفاق (where) مثل (nowhere, there, here)

[Skill 46] use BASIC ADJECTIVE and ADVERBS correctly

نکات: کلمه درست در مثال صفت در جایگاه قید کار می‌رود و بالعکس، در جایگاه صفت کار می‌رود و خود را در جایگاه قید می‌نهد.
adjectives - فقط یک کار دارد و آن توصیف اسم یا عبارت است.

she is a beautiful woman / she is beautiful
adj noun PRO adj

نکات: ۱- bad verbs: هم به ساز افعال متعدی می آیند
 subject + regular verb + adverb

۲- ک. adjectiv: هم به ساز افعال ربطی می آیند. (linking verbs)
 subject + linking verb + adjective

۳- البته ک. adverb هم می تواند به ساز linking verb باشد. اما باید فقط به شرطی که آن فعل متعدی مذکور در راجع به آن نیست و صرفاً وصفی است که بعد از آن می آید. (مثلاً در جملی فقط لطف است و صرفاً لطف است)

subject + linking verb + adverb + (adjective)

linking verbs: افعال ربطی که در جمله به کار می روند.
 appear / be / become / feel / look / prove / seem / smell / taste / get / grow

۱۵ the salespeople frequently visit the East Coast for trade shops
 (frequently Adv)

Skill 4.8 position ADJECTIVES and ADVERBS correctly

نکات: ۱- ک. از اسامی که در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند
 ۲- ک. از اسامی که در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند
 ۳- ک. از اسامی که در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند

The important information is on the first page
 (important adj, information noun)

۱- adverb: آنکه قبل از فعل می آید و در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند
 ۲- object: آنکه بعد از فعل می آید و در جمله به کار می روند و در جمله به کار می روند
 ۳- He has taken recently an English course
 (recently adv, English course obj)

Recently he has taken an English course / He has recently taken an English course
 He has taken an English course recently

از جهت جهت‌های: westerly, easterly, southerly, northerly

از جهت زمان: quarterly, yearly, weekly, monthly, nightly, daily, hourly

از جهت: costlily, friendly, early, manly, kindly, lonely, likely, lively, lovely

از جهت: costlily, friendly, early, manly, kindly, lonely, likely, lively, lovely

از جهت: costlily, friendly, early, manly, kindly, lonely, likely, lively, lovely

از جهت: costlily, friendly, early, manly, kindly, lonely, likely, lively, lovely

SKILL 50 use PREDICATE ADJECTIVES correctly.

10 نکته: البته وقت نامشروع هر چه این ماکه به مکتوبان یا در هر حال صنعت و اظهار در حتماً انجام صفت عمل فعل
 می باشد بلکه ماکه به خود اسم مربوط می شود. مثل melting snow (برف در حال ذوب شدن)
 نکته: حرف تعریف به کار اسم اول و تابع اولین اسم است که بعد از آن می آید (از نظر صرفه و اولی)
 an exciting film
 adj n

« PROBLEMS WITH ARTICLES »

نکات: یادآور حرف تعریف مشکل است چرا که قواعد زیادی دارد. حتماً استثنائات و موارد خاص هم در آن بسیار است اما این وجود

Skill 55 distinguish SPECIFIC And GENERAL IDEA.

نکات: در مورد کاربرد حرف تعریف the و a و an (معنی یک یا یک) در جملات زیر را بنویسید.
 10 حرف تعریف a و an که معنی عام و مشخص در این موارد استعمال می شود:
 اسم وقتی که از آن اسم زیاد داریم و به آن اشاره می کنیم که یکی از آنها را می آوریم.

Example: Tom will bring a book tomorrow. (Tom will bring any one book)

۲. وقتی که از آن اسم زیاد داریم و به آن اشاره می کنیم که یکی از آنها را می آوریم.

Example: He sailed on an ocean.

حرف تعریف the که معنی خاص و مشخص در این موارد استعمال می شود:

اسم وقتی که از آن چیزی فقط یک داریم و به آن اشاره می کنیم.

Example: He will arrive on the first Tuesday in July.

Example: A basketball player threw the ball to the center of the court.
 یک بازیکن بسکتبال توپ را به مرکز زمین پرت کرد.

۲. وقتی که از آن چیزی زیاد داریم و به آن اشاره می کنیم که یکی از آنها را می آوریم.

Example: He sailed on the Pacific ocean. (Pacific ocean)

۳. وقتی که از آن چیزی کم داریم و به آن اشاره می کنیم که یکی از آنها را می آوریم.

Example: The ball hit a child on a head. (the head)

نکات: اینها به غیر از اینها هستند. حرف تعریف a و an (معنی یک یا یک) در جملات زیر را بنویسید.

at money

PROBLEMS WITH PREPOSITION

توضیح: حرف اضافه در بیان مکان، زمان، جهت، و غیره استفاده می‌شود. (literal) استفاده می‌شود. معنی لغوی می‌دهد و می‌تواند به معنی مجازی هم به کار رود.

مثال: The boy ran up the hill. (The boy ran up the hill) → (The boy ran up the hill)

مثال: She went in the house. (She went in the house) → (She went in the house)

مثال: I call up my friend. (I call up my friend) → (I call up my friend)

مثال: He succeeded in passing the course. (He succeeded in passing the course) → (He succeeded in passing the course)

این اصطلاحات در زبان فارسی به صورت اصطلاحات (idiomatic) به کار می‌روند. معنی لغوی نمی‌دهد و می‌تواند به معنی مجازی هم به کار رود.

مثال: I call up my friend. (I call up my friend) → (I call up my friend)

مثال: He succeeded in passing the course. (He succeeded in passing the course) → (He succeeded in passing the course)

این اصطلاحات در زبان فارسی به صورت اصطلاحات (idiomatic) به کار می‌روند. معنی لغوی نمی‌دهد و می‌تواند به معنی مجازی هم به کار رود.

مثال: I call up my friend. (I call up my friend) → (I call up my friend)

مثال: He succeeded in passing the course. (He succeeded in passing the course) → (He succeeded in passing the course)

SKILL 56 recognize INCORECT PREPOSITIONS.

مثال: The game was called on* because of rain. (called off)

مثال: I knew I could count in* you to do a good job. (count on)

SKILL 57 recognize when PREPOSITIONS have been OMITED

مثال: Can you wait* me after the game? (wait for)

مثال: I plan* attending the meeting. (plan on)

PROBLEMS WITH USAGE

SKILL 58 distinguish MAKE and DO

توضیح: این دو فعل معمولاً به کار می‌روند و می‌توانند به معنی مجازی هم به کار روند.

مثال: I made a mistake. (I made a mistake)

مثال: I did a good job. (I did a good job)

MAKE: غالباً اوقات معیار ساختن یا ایجاد کردن، ساختن، درست کردن، درست کردن (constructing, creating)
John: she like to make her own clothes.

would you like to make a cake for dessert?
if you make a mistake, you should correct it. (تصحیح کردن)

He was unable to make a response to threat. make effort

DO: غالباً اوقات معیار انجام دادن، انجام دادن، انجام دادن (performing, completing)

John: This morning she did all the dishes.

The student are doing the assignments (تکالیف)

The janitors did the work they were assigned.

You can do your laundry at the laundromat.

Idiomatic: معانی عبارتی از لحاظ معنی و ساختار فعلی و اجزای آن از این قبیل است:
کمیسیون است که میگوید که باید در وقت کارها را انجام داد.

[Skill 59] distinguish LIKE, ALIKE, and UNLIKE

تفاوت این کلمات بطور زیر است: ALIKE و UNLIKE در مقایسه استفاده می شود و در این Skill یک بار آمده است.

تفاوت ALIKE و LIKE در Skill 50 آمده است. ALIKE یک predicate adj. است.

و فقط پس از افعال غیر ماضی در LIKE قبل از مضاف قرار می گیرد.

John and Tam are alike / John and Tom worked in a like manner
similar به معنی similar

تفاوت UNLIKE و LIKE در حالتی که معیار حرف افعال دارند، معیار کاملاً برعکس دارد. چون این معیار

حرف افعال را از یکدیگر جدا می کند. ALIKE و UNLIKE در این حالت به معنی متفاوت قرار می گیرند.

John is like Tom / John is unlike Tom
similar به معنی similar different به معنی different

معنی UNLIKE و LIKE در حالتی که معیار حرف افعال دارند، معیار کاملاً برعکس دارد.

Like Tom, John is tall

Unlike Tom, John is tall

□ حال برابر روشن شدن مطلب به مثالها را حل کنید و زیر دست بنویسید:

تأملین: مفرد نامعین در حالتی که صفت است

I have another book (adj)

مفرد نامعین در حالتی که ضمیر است

I have another (pro)

جمع نامعین در حالتی که صفت است

I have other books (adj)

جمع نامعین در حالتی که ضمیر است

I have others (pro)

مستثنی:

مفرد معین در حالتی که صفت است

I have the other book (adj)

مفرد معین در حالتی که ضمیر است

I have the other (pro)